

هم‌سنگران پیامبر (ص) از دیدگاه قرآن

سید احمد زرهانی



در گرماگرم اختلافات، همه فرق اسلامی خود را هم‌سنگر پیامبر اعظم (ص) به شمار می‌آورند، حتی کسانی که ندای تفرقه سر می‌دهند و خود را از همه برتر می‌بینند و اهل قبله را تکفیر و تفسیق می‌کنند. راستی حق با چه کسانی است و کدام جماعت بر «سبیل سداد» حرکت می‌کند و همراهان رسول اکرم (ص) چه ویژگی‌هایی دارند؟ برای یافتن پاسخ، باید بی‌طرفانه در قرآن و سنت خاتم النبیین (ص) نگریم و حقایق را با چشم دل دریافت. در این نوشتار به اختصار تنها به چند آیه استناد می‌شود، تا گروه‌های متخاصم مسلمان، خود را در آینه این آیات، بنگرند و نسبت خویش را با اسوه مسلمانان، حداقل در عمق وجدان خود پیدا کنند و اگر دیدند با گل سرسبد هستی فاصله دارند، به تجدیدنظر روی آورند.

خداوند می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱ از این آیه شریفه به خوبی روشن می‌شود که هم‌سنگران رسول خدا (ص) کسانی هستند که نسبت به همدیگر و در برابر مؤمنان، مهربان و نرم‌دل می‌باشند و در مقابل دشمنان متجاوز و کفار مهاجم، سخت‌گیرند و با شدت عمل ایستادگی می‌کنند. حال از پرچم‌داران تفرقه و برادرکشی باید پرسید: شما کجا ایستاده‌اید، با پیامبر خدا (ص)، یا در اردوگاه کج‌روان و منحرفان؟

یکی دیگر از آیات شریفه قرآن که تکلیف هم‌سنگران رسول اعظم (ص) را روشن می‌کند و جایگاه آنان را نشان می‌دهد، بدین قرار است: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ»^۲؛ یعنی تو در گروه و مجموعه کسانی نیستی که در اثر اختلاف و تفرقه با همدیگر، دچار پراکندگی در دین شده و گروه گروه گردیده‌اند، و با آنان هیچ‌گونه پیوند و ارتباطی

۱. فتح، ۲۹.

۲. انعام، ۱۵۹.



نداری. این معنا روشن می‌کند که اهل تفرقه و انشعاب و اختلاف توفیق هم‌سنگری با رسول اکرم (ص) را از دست می‌دهند و پیامبر خدا (ص) با آنان نسبت و پیوند و پیمانی ندارد. کار آن جماعت فقط به خداوند واگذار می‌گردد. سپس خداوند آنان را از کارهایی که کرده‌اند، باخبر خواهد کرد و ماهیت اعمالشان را به آنان نشان خواهد داد.

حال باید از کسانی که در عصر ما دین خود را دستخوش تفرقه کرده‌اند و با روی آوردن به گروه‌های متخاصم، از برادرکشی لذت می‌برند، سؤال کرد: در کجای اردوگاه رسالت ایستاده‌اید و به چه حقی به نام دین، جان و مال و سرزمین مسلمانان را به یغما می‌برید؟ کافر شمردن و کشتن مسلمانان، گناه کوچکی نیست. مگر نمی‌دانند که استکبار جهانی این خشونت‌ها را به نام دین در جهان بازتاب می‌دهد و چهره نورانی اسلام را سیاه جلوه‌گر می‌سازد؟ اسلام عزیز که تنها منطق روشن و اندیشه نجات‌بخش آخرالزمان است، چرا باید در افکار عمومی ملتها سرفکنده شود؟ آیا در قرآن مجید نخوانده‌اند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»^۳ که این گونه بی‌محابا خون پاک نمازگزاران را در خانه خدا به زمین می‌ریزند و احساس آرامش می‌کنند؟ آیا آنان متوجه نیستند که اسرائیل غاصب در این هنگامه، نفس راحتی می‌کشد و لبخند رضایت می‌زند و این مسلمان ستیزی را پدیده مبارکی برای حیات نامیمون خود قلمداد می‌کند؟ سران منطقه چرا پنهان و آشکار

آب به آسیاب این بحران می‌ریزند و حق و باطل را درهم می‌آمیزند و افق اتحاد مسلمانان را تیره و تار می‌سازند؟

یکی دیگر از ویژگی‌های هم‌سنگران رسول اکرم (ص)، پایداری در راه حق و اجتناب از طغیان و سرکشی است. خداوند می‌فرماید: «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۴. تعرض به هستی کسانی که مبدأ و معاد را از صمیم دل پذیرفته‌اند و حلال و حرام خدا را مراعات می‌کنند و ندای وحدت و اخوت سر می‌دهند، از مصادیق روشن طغیان است. تنها گناه این مسلمانان این است که مثل اهل تفرقه فکر نمی‌کنند و به آنان مشابهت ندارند و به همین جرم واهی تکفیر می‌شوند و از زندگی ساقط می‌گردند. راستی اگر خداوند می‌خواست همه را مثل هم می‌آفرید، ولی چنین نکرده و حکمت بالغه الهی اقتضا کرده است که انسانها در پرتو وحی با تعقل و تفکر راه حیات طیبیه را بیمایند و مجتهدان با غور در قرآن و سنت، احکام الهی را استنباط کنند و راه دین‌داری و دین‌باوری را هموار سازند. آیا اختلاف در استنباط مجتهدان و مفتیان امت واحده، مجوزی برای تعدی و تجاوز به همدیگر است؟ در مکتبی که در آن پرچم «اول ما خلق الله العقل» برافراشته شده است، نباید این همه هیجان‌ات تند و تعصبات کور رواج پیدا کند و جا دارد که عقلای امت اسلامی جمع شوند و با سرانگشت تدبیر گره از کار فرو بسته تندروان امت بگشایند و اخوت را به جای تنازع بنشانند.